

مقالات

اسلام و دعوت ادیان به رعایت حق کرامت انسانی^(۱)

مصطفی محقق داماد

یکی از افتخارات مسلمین که روشنفکران غرب نیز به آن معترفند، ابداع دانش مقایسه ادیان یا علم دین شناسی تطبیقی است. بدون تردید تا ظهور اسلام در میان علوم، دانشی تحت عنوان «دین شناسی تطبیقی» یا «علم مقایسه ادیان» چه به صورت رشته‌ای مستقل و چه به صورت رشته‌ای فرعی و وابسته به سایر علوم موجودیت پیدا نکرده بود. زیرا علاوه بر اینکه هیچ کدام از ادیان سابق بر اسلام دیگری را مورد تأیید قرار نمی داد، هر یک از آنان نیز دین دیگر را طریق ضلالت و گمراهی و مذهب باطل معرفی می کردند.

اشاره به مواضع مستمر خصمانه متقابل مسیحیان و یهودیان و دیدگاه منفی مذهب مسیحیت نسبت به یهود و بالعکس، برای اثبات مدعای ما کافی است. زیرا متولیان دین یهود هرگز نزول و ظهور دین مسیحیت را به عنوان دینی راستین نپذیرفته و همچنان به مسیح به عنوان مقتولی که از نظر آنان استحقاق اعدام را داشته می نگرند. و از سوی دیگر مسیحیان نیز، مسیحیت را دین ناسخ مذهب یهود و جانشین بر حق یهودیت دانسته و موجودیتی برای یهود به عنوان

۱. فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۷، بهمن ۱۳۷۰، صص ۲۳-۱۷.

پیروان دینی مستقل قائل نیستند.

سایر ادیان غیرالهی از قبیل هندویسم و بودیسم نیز در سایر نقاط جهان از چنین رابطه متکاذبی برخوردار بودند مضافاً اینکه همه این مذاهب در مقابل دین مقدس اسلام به عنوان دینی که مدعی آخرین و بهترین دین بودن و خاتمه دهنده به همه ادیان سابق بر خود هست به مقابله برخاسته و بر موضع انکار و تکذیب و نفی آن اتفاق داشته و دارند.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که با وجود این جبهه‌گیری‌های متضاد و متنافی در میان تمامی ادیان و مذاهب، دیگر جایی برای تحقق علم مقایسه ادیان باقی نمانده بود. زیرا تطبیق و مقایسه ادیان، متفرع بر تحقق واقعی ادیان متعدد و قبول آن از ناحیه متولیان مذاهب است در حالی که چنین تحقیقی را هیچ کدام باور نداشته و در نتیجه، زمینه‌های اندیشه بررسی مقایسه‌ای ادیان موضوعاً منتفی بوده است.

علی‌رغم دیدگاه‌های منفی ادیان نسبت به یکدیگر، اسلام به عنوان آخرین پدیده اعتقادی مبتنی بر وحی الهی به موازات پیدایش و ظهور خود و در راستای تکوین تشریعی بیست و سه ساله، هم از بُعد نظری و هم از موضع عملی، برخلاف رویه ادیان متقدم، به جای نفی کلی و انکار وجودی سایر ادیان، به گونه‌ای با آنان برخورد نمود که علاوه بر اینکه زمینه‌های مناسب ایجاد دانش دین‌شناسی مقایسه‌ای را برای اولین بار در جهان تفکر فراهم ساخت، موجب حیرت اندیشمندان قرون بعد حتی عصر حاضر نیز گردید.

از بُعد نظری دین مقدس اسلام ضمن اعلام خاتمیت خود در سلسله بلند ادیان و جامعیت خود نسبت به تمام اصول و ارکان و میانی همه ادیان سلف مبتنی بر وحی صریحاً در آیه ۱۳ سوره شورا اعلام می‌کند که:

«شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا» یعنی: خداوند مقرر داشت برای شما از دین، همان آئینی را که نوح بدان سفارش کرد و آنچه به تو (محمد) وحی کردیم و همانچه که به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم که اقامه

دین کنند و متفرق نشوید. بدین ترتیب به لحاظ جامعیتی که در دین مقدس اسلام وجود داشت و جامع تمام اصول و مبانی و ارکان دین سلف بود خداوند آن را ناسخ جمیع مذاهب پیشین قرار داد و به عنوان یگانه دین مقبول خود معرفی نمود که «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»^(۱) و اعلام داشت که هر کس دینی غیر از اسلام را تبعیت نماید هرگز از او پذیرفته نخواهد شد.^(۲)

شاید بتوان گفت که حکمت اینکه با آمدن اسلام، ادیان الهی قبل منسوخ گردید این بوده است که به اتفاق نظر اندیشمندان مسلمان، هر یک از پیامبران سلف، پیام آور رسالتی بوده اند که متناسب با وضعیت زمان بعثت خود و ظرفیت و نیاز مخاطبان خود، تحقق اهداف خاص رسالت خود در هدایت بشر به مبدأ و معاد و رستگاری انسان بود و به موازات تغییر وضعیت زمان در سیر تکامل حیات بشری و تحول شرایط و اوضاع و احوال و حدوث نیازهای جدید، ظهور رسالت و مذهب جدید را اقتضاء می کرد؛ یعنی دیانتی که در اصول و مبانی توحید با ادیان سابق بر خود اتفاق نظر داشته و در فروع همگام و مناسب با شرایط و نیازهای جدید زمان و مخاطبان خود باشد. بر همین اساس اسلام که در اصول و مبانی خود تحکیم بخش پایه های توحیدی رسالت انبیاء موحد سلف است و در فروع نیز رافع و جاودانگی اوست به تنهایی وارث قهری همه ادیان و مذاهب الهی سابق گردیده است.

خداوند متعال خود را در این خصوص چنین مقرر داشته است:

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَانزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلِ هُدًى لِلنَّاسِ وَانزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ»^(۳)

دانشمندان مفسر قرآن چنین توجیه نموده اند که کفر ورزیدن به هر کدام از

۱. قرآن مجید، سوره آل عمران، آیه ۱۹: همانا دین نزد خداوند فقط اسلام است.

۲. قرآن مجید، سوره آل عمران آیه ۸۵: «و من يتبع غير الاسلام ديناً فلن يقبل منه».

۳. قرآن مجید، سوره ۳، آیه ۳: به جز الله که زنده ابدی است الهی وجود ندارد. کتاب را به حق بر تو نازل کرد کتابی که مصدق آنچه نزد توست می باشد تورات و انجیل را قبلاً برای هدایت بشر نازل کرد و فرقان را فرو فرستاد همانا کسانی که به آیات خدا کفر ورزند برای آنان عذابی شدید در پیش است.

ادیان و کتب مذکور در آیه، موجب گمراهی و ضلالت است و کسی که مرتکب این عمل شود، استحقاق عذاب شدید الهی را دارد.^(۱) این مطلب در آیه ۶۰ سوره بقره، با صراحت بیشتری به شرح ذیل بیان گردیده است:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّائِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلُوا صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». یعنی کسانی که ایمان آورده و نیز یهودیان و مسیحیان و صائبین، آنان که به خدا و روز معاد ایمان دارند و عمل نیکو کرده‌اند، پاداش آنان نزد خداوند محفوظ است و آنان اندوهگین نباشند.

این نکته نیز روشن است که اسلام به وجود فرقه‌های غیر مسلمان معترف بوده، و از اهل کتاب و اهل ذمه سخن به میان آورده و حقوق و مقرراتی برایشان تنظیم نموده است. و در همین راستا است که علم تقارن و مقایسه ادیان به وجود آمده است. قرآن کریم آنگاه استوانه این علم را پایه‌ریزی می‌نماید که می‌فرماید: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (عنکبوت ۴۶). در واقع بحث و مذاکره آزادانه معنای حقیقی این علم است. و در جای دیگر می‌گوید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (سوره نحل آیه ۱۲۵).

از اینجاست که می‌بینیم محققان اسلامی از همان ابتدای تدوین سایر علوم اسلامی، به قلمفرسایی در مورد علم تقارن ادیان پرداخته‌اند. از همان هنگامی که مسلمانان با مسیحیان در آندلس، جزیره سیسیل و شام مواجه گردیدند، یک نوع تبادل افکار بین آنان به وجود آمد، و مهم‌ترین اثر آن پیدایش همین علم تقارن ادیان بود. به‌طوری که مسیحیان از موضع گذشته خود در مورد نفی تقارن ادیان دست برداشتند و به این علم روی آوردند. اما همچنان از آن به عنوان وسیله‌ای برای تمجید از مسیحیت و انتقاد از اسلام استفاده کردند. جای بسی تأسف است که مسلمانان نیز در مقابل این جبهه‌گیری مسیحیان و تعصب آنان رفته رفته از علم تقارن ادیان دور گشته و در مواضعی قرار گرفتند که با

۱. فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۵۴-۵۳.

زمینه‌های عینی این علم ناسازگار می‌باشد. علی‌رغم آنکه جامعه‌الازهر و سایر مراکز علمی اسلامی عمرگرانی‌هایی در این راه مصروف داشته‌اند اما مع الاسف از توجه جدی و مؤثر به این دانش ابداعی مسلمین باز مانده‌اند، به طوری که هیچ برنامه‌ریزی علمی و عملی در این خصوص به عمل نیاورده‌اند. امید آنکه با نشانه‌های امیدبخشی که در برخی کرانه‌های حیات علمی مسلمین به چشم می‌خورد هر چه زودتر این نقیصه مهم مرتفع گردد.

آدام متس در کتاب خود به نام، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری (ج ۱ ص ۳۶۶) پیدایش این علم را به مسلمانان نسبت می‌دهد و منابع اولیه‌ای را که مسلمانان درباره این علم تدوین کرده‌اند برمی‌شمارد، وی می‌گوید: مدارا نمودن مسلمانان در طول زندگانی خود با یهودیان و مسیحیان امری است که همانندی در قرون وسطی برای آن نمی‌توان یافت. به طوری که همین مواجهه مسالمت‌آمیز باعث شد تا به مباحث علم کلام اسلامی، مباحثی ملحق گردد که مسلماً از ره‌آورد های قرون وسطی نبوده است، و آن علم تقارن ادیان بود. وی می‌افزاید: «این علم از متکلمین اسلامی نشأت نگرفته است. و این بدان معناست که علم تقارن ادیان برای مسلمانان به عنوان وسیله‌ای برای منحنط نشان دادن سایر ادیان نبوده است، بلکه به عنوان تحقیق و توصیف علمی تلقی می‌شده که آنان را به سوی نتایج مطلوب سوق می‌داده است.»

آدام متس «نوبختی» (۲۰۲ ه. ق.) را اولین مؤلفی می‌داند که در این زمینه مبادرت به تألیف نموده و کتابی تحت عنوان الآراء والدیانات نگاشته است. مسعودی (۳۶۴ ه. ق.) نیز دو کتاب در مورد ادیان نوشته است و پس از او «مسیحی» (۴۲۰ ه. ق.) کتاب درک البغیه فی وصف الادیان و العبادات را به رشته تحریر در آورده که کتابی است مفصل در حدود شش هزار صفحه (۳۰۰۰ ورق)، و از آن پس کتابهای بسیاری در این زمینه تألیف شده است. مشهورترین کتابهایی که درباره ملل و نحل نگاشته شده و همین موضع را عنوان خود نیز ساخته‌اند کتاب الملل و النحل ابی منصور بغدادی (۴۲۹ ه. ق.)، الفصل فی الملل و الاهواء فی النحل ابن حزم اندلسی (۴۵۶ ه. ق.)، و نیز الملل و النحل شهرستانی (۵۴۸ ه. ق.)

ق.) است در این میان کتابی نیز ابورحیان بیرونی، تحت عنوان تحقیق مالهند من مقولة فی العقل او مردولة تألیف نموده است. این کتاب چنانچه از نامش هویدا است مختص به ادیان سرزمین هند است و شامل سایر ادیان و اعتقادات مختلف (همانند کتابهای دیگر) نمی‌شود. عموماً نوشته‌های مسلمانان در این زمینه جنبه توصیفی - علمی داشته و تهی از هرگونه تعصبی بوده است. هنگامی که جنگ‌های صلیبی با همه آثار شومش به وقوع پیوست، مسلمانان دریافتند که پیروان سایر ادیان به زیور مدارای دینی آراسته نیستند، لذا تقارن ادیان به سکوت گرائید. در عین حال سیطره کوتاهی که صلیبی‌ها به کمک تجهیزات نظامی خود بر مسلمانان پیدا کردند باعث گردید که به راههای مسالمت‌آمیز و در رأس آنها راه تبلیغ دینی روی آورند البته چنین تجربه‌ای نیز مستلزم داشتن حداقل آگاهی کوتاهی از اسلام و بحث‌های اسلامی بود.

اصل کرامت انسانی

قرآن مجید در آیه ۶۴ سوره آل عمران خطاب به متولیان ادیان الهی گفته است:

«قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم ان لا تعبدوا الا الله و نشرک به شیئاً». یعنی ای پیامبر بگون ای صاحبان کتاب بیایید در خصوص موضوعی که میان همه ما مشترک است توافق کنیم و بر آن استوار باشیم و آن موضوع نفی پرستش موجودی به جز خداوند است. بدین وسیله قرآن مجید تمام پیروان ادیان الهی را به کرامت و شخصیت انسانی متوجه ساخته و بدین امر دعوت نموده است. از نظر فلسفه اسلامی پرستش هر موجود محدود با بزرگی و والایی انسان منافات دارد. از نظر معارف اسلامی، انسان خلیفه الله و نمونه او بر روی زمین و موجودی است که خداوند او را مکرمت و بزرگی خاصی بخشیده و بر سایر موجودات برتری و فضیلت بخشیده و جهان را برای او مسخر ساخته است و همان‌طور که در آیات ۲۸-۳۳ سوره بقره آمده همه موجودات را در مقابل او به منظور کرنش و خضوع به سجده افکنده است و او را متوجه ساخته

که او مسجود طبیعت است نه طبیعت مسجود او. در قرآن مجید شرک بالاترین مظهر ظلم و بی عدالتی علیه کرامت انسانی قلمداد شده است: «إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (سوره لقمان آیه ۱۳).

ظلم در اینجا عبارتست از نادیده گرفتن حق کرامت انسانی از طریق پرستش موجودات محدود و انحراف از عبادت هستی مطلق. جالب توجه است گفته شود که معارف اسلامی فساد و تباهی های اخلاقی را معمول این بی عدالتی دانسته یعنی حفظ حق کرامت پایه اساسی وصول به اخلاق حسنه و پایمال شدن حق کرامت سرچشمه فساد و تباهی اخلاقی است. در آیه ۷۲ سوره فرقان بندگان صالح و نیکوکرداران را چنین توصیف نموده است: «وَإِذَا مَرُوا بِاللُّغُو مَرُوا كِرَامًا؛ یعنی بندگان صالح در برخورد با کردارهای بیهوده و زشت به بزرگواری انسانی متوجه و از این رهگذر از ارتکاب اعمال مزبور دوری می جویند.